

الله أكبر



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پژوهشکده تحصیلات تکمیلی

گروه عربی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات عربی

بررسی مؤلفه های ادبیات پایداری در مجموعه داستان های کوتاه سمیره عزام

استاد راهنما

دکتر رمضان رضایی

استاد مشاور

دکتر یدالله رفیعی

پژوهشگر

محسن محمدی نیا

مهرماه ۱۴۰۰

تقدیم به پدرم

کوبی استوار و حامی من در طول تمام زندگی،

تقدیم به مادرم

سنگ صوری که انبای زندگی به من آموخت،

تقدیم به برادرم

که وجودش شادی، بخش و صفایش مایه آرایش من است،

و

تقدیم به

همه یونندگان راه علم و دانش

آنان که خود را وقف اعتلای انقبای فکر بشری کرده اند.

تقدیر و سپاس

لازم و شایسته می دانم که از:

استاد محترم راهنما جناب آقای دکتر رمضان رضایی و استاد محترم مشاور جناب آقای دکتر یدالله رفیعی که بنده را بامحبت وافر می پذیرفتند و با رهنمودهای سازنده و ارائه ی ارشادات خویش راه را بر بنده هموار نمودند، سپاسگزاری نمایم.

یقیناً قدردانی از پدر و مادر مهربانم که تمامی شرایط را برای به پایان رساندن این پایان نامه مهیا کردند در این سطور نمی گنجد.

خداوند را سپاس بیکران که توفیق به پایان رساندن این پژوهش را عنایت فرمود.

بررسی مؤلفه‌های ادبیات پایداری در مجموعه داستان‌های کوتاه سمیره عزام

چکیده

ادبیات مقاومت فلسطین به‌عنوان یکی از پویاترین جریان‌های ادبی معاصر عرب در پی افزایش ظلم و ستم اسرائیل و اعمال غیرانسانی‌اش در حق ملت قهرمان فلسطین باهدف مبارزه و پایداری شکل گرفت. این ادبیات آینه‌ی تمام‌نمای دردها و رنج‌ها، پیکار و پایداری و آزادی است که شاعران و نویسندگان زیادی ازجمله سمیره عزام از منادیان حقیقی آن به‌شمار می‌آیند، سمیره عزام نویسنده و رمان‌نویس برجسته فلسطینی است که داستان‌های بسیاری دارد، او به‌عنوان یک نویسنده درد و رنج کشیده به‌خوبی توانسته است دردها و دغدغه‌های ملت خویش را بانوایی حزن‌انگیز به گوش جهانیان برساند. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی در تلاش است مضامین پایداری را در داستان‌های کوتاه سمیره عزام بررسی نماید. نتایج حاصل از این پژوهش حاکی از آن است که با توجه به وقایعی همچون استعمار، تبعید، کشتار مردم فلسطین و... بسیاری از مؤلفه‌های مقاومت و پایداری ازجمله تمجید از مجاهدان و مبارزان، مرثیه و سوگواری شهیدان، استعمارستیزی، میهن‌گرایی، قومیت‌گرایی و... در سرتاسر داستان‌های کوتاه سمیره عزام به کار رفته است که نثر این نویسنده را به بالاترین مظهر نثر مقاومت در دوره معاصر مبدل ساخته است. از آثار سمیره عزام این گونه پیداست که وطن برای او جایگاه والایی داشته است و قلمش تنها سلاحی است که این نویسنده توانسته به وسیله آن ظلم و ستم استعمارگران را به نمایش بگذارد و با تمام وجود از میهن و ملت خود دفاع کند. به بیان دیگر او، از جمله نویسندگانی است که با زبان نثری خود به مبارزه با استعمارگران و دفاع از ملت خویش پرداخته است. همچنین این نویسنده توانا در داستان‌های کوتاه خود ویژگی‌های هنری بسیاری از جمله رمز، اسطوره، بینامتنیت، سبک، موسیقی، تکرار و... را به کار گرفته است تا با تاثیرگذاری بیشتر بر مخاطب، مردم سرزمینش را به مقاومت و پایداری و مبارزه با استعمار تشویق کند. عزام همانطور که از آثارش پیداست نویسنده‌ای کلاسیک و نوگراست و در بعضی مواقع استفاده از رمز (نماد) را راهی برای رسیدن به تفکراتش می‌بیند.

واژگان کلیدی: ادبیات پایداری، نثر معاصر فلسطین، داستان کوتاه، سمیره عزام.

فهرست مطالب

شماره صفحه

فصل اول: کلیات تحقیق	1
۱-۱ مقدمه	2
۱-۲ بیان مسأله	4
۱-۳ پرسش‌های پژوهش	5
۱-۴ فرضیه‌ها	5
۱-۵ اهداف پژوهش	6
۱-۶ شیوه پژوهش	6
۱-۷ پیشینه پژوهش	6
فصل دوم: ادبیات پایداری	10
۲-۱ تعریف ادبیات پایداری	11
۲-۲ پیشینه ادبیات مقاومت فلسطین	17
۲-۳ پیشینه داستان‌نویسی در ادبیات عرب	18
۲-۴ داستان کوتاه و ادبیات پایداری	21
۲-۴-۱ داستان‌نویسی در فلسطین پس از شکست ۱۹۴۸	22
۲-۴-۲ آوارگان عرب فلسطین در داستان‌های کوتاه سمیره عزام	24
۲-۴-۳ تجربه تلخ شکست‌های پی‌درپی (فلسطین)	25
۲-۵ پایداری در نثر عربی	27
۲-۶ زنان و ادبیات پایداری	29
فصل سوم: سمیره عزام، زندگی و نویسندگی	31
۳-۱ شرح حال	32
۳-۲ آثار	33
۳-۳ سبک داستان‌نویسی سمیره عزام	36

38	فصل چهارم: بررسی مضامین داستان‌های کوتاه سمیره عزام.....
39	۴-۱ بررسی مضامین پایداری در داستان کوتاه سمیره عزام.....
40	۴-۱-۱ تمجید از مجاهدان و مبارزان.....
41	۴-۱-۲ مرثیه و سوگواری بر شهیدان.....
42	۴-۱-۳ استعمارستیزی.....
49	۴-۱-۴ امید به آزادی و آینده روشن.....
53	۴-۱-۵ میهن گرایی.....
58	۴-۱-۶ قومیت گرایی.....
58	۴-۱-۷ هویت.....
62	۴-۱-۸ زن نماد صبر و پایداری.....
66	۴-۱-۹ دعوت به وحدت.....
67	۴-۱-۱۰ افسوس از شهید نشدن.....
68	۴-۱-۱۱ تنفر از دشمن.....
70	فصل پنجم: ویژگی‌های هنری در داستان پایداری سمیره عزام.....
71	۵-۱ رمز.....
78	۵-۲ اسطوره.....
85	۵-۳ بینامتنیت.....
88	۵-۴ سبک.....
91	۵-۵ موسیقی.....
95	۵-۶ گفتگو.....
96	۵-۷ صور خیال.....
99	نتایج.....
102	ملخص الرسالة بالعربية.....
107	چکیده انگلیسی.....
108	منابع.....

فصل اول:

کلیات تحقیق

۱-۱ مقدمه

تحولات بزرگ و انقلاب‌های سرنوشت‌ساز تاریخ جوامع بشری، بنیان‌های سست گذشته را تخریب و بنیانی نو بر اساس تفکرات و تحولات جدید پایه‌ریزی می‌کنند، ادبیات مقاومت، آرمان فلسطین، شهید و جانباز واژه‌هایی هستند که آبخشورهای حفظ کرامت اسلامی است، انسان‌های واقع‌بین و کمال‌گرا پس از رویارویی با ستم و بیداد در فلسطین و خارج از آن به دنبال اجرای رسالت انسانی خویش حرکت می‌کنند، نویسنده‌ای احساس‌گرا، عاطفه صادق و سیال خویش را در قالب کلماتی آتشین ریخته و از سویی توجه همگان را به طغیان و بیداد جلب کرده و از دیگر سو، انجام وظیفه و حفظ کرامت انسانی را به آنان یادآور می‌شود.

مقاومت را می‌توان یکی از عناصر تشکیل‌دهنده‌ی وجود انسان دانست چراکه از همان آغاز زندگی، مبارزه بین انسان و طبیعت برای بقا، حفظ و ادامه‌ی زندگی آغاز می‌گردد و در سایه این مبارزه است که انسان رشد می‌کند، در زمانی که برخی از قدرت‌های سلطه‌جو و استعمارگر، به دیگر کشورها هجوم می‌برند و به غارت و چپاول ثروت ملی و طبیعی آن‌ها می‌پردازند، نوعی دیگر از مقاومت شکل می‌گیرد، یعنی ایستادگی در برابر متجاوزان و دفاع از خود که ضامن حفظ بقا و هویت یک ملت است.

واقعیت این است که مفاهیم و نظریه‌های داستانی جنگ، به‌ویژه در جامعه ادبی ما، آن‌چنان‌که باید، واکاوی نشده‌اند و این بخش مهم از ادبیات داستانی ایران جای تحقیق بیشتری دارد. از همین روست که هنوز تعریف جامع‌ومانع‌ی از بسیاری از مفاهیم این‌گونه ادبی ارائه نشده یا دست‌کم از سوی صاحب‌نظران مختلف موردبحث قرار نگرفته است و هر گروه، به فراخور اندیشه‌های خویش تأویلی از این مفاهیم ارائه داده‌اند تا جایی که بعضی معتقدند: «ادبیات جنگ نه‌تنها شامل آثار ادبی تولیدشده در صحنه‌های جنگ و زمان جنگ است، بلکه آثار تولیدشده در خارج از صحنه‌های نبرد و پس از جنگ را نیز در برمی‌گیرد (کوثری، ۱۳۷۹: ۱۰۰).

داستان‌های کوتاه در یک دهه اخیر، تحول چشمگیری در عرصه کاربرد تکنیک و سازه‌های نوین داستان‌نویسی داشته است. بسیاری از منتقدان برآنند که داستان کوتاه بهترین تعبیر را از زمان خود به دست

می‌دهد. درواقع، این هنر ساختار واقعیت را به‌گونه‌ای فشرده نو پردازی می‌کند و ضمن آنکه به جهت اشتغال بر عنصر خیال و خلاقیت قادر است ذوق و شعور خواننده را به تعالی بخشد، به سبب تصویرگری از واقعیت‌های موجود، شناخت شخصیت‌های داستانی و درک جزئیات زندگی آن‌ها را نیز برای وی ممکن می‌سازد.

سمیره عزام، ادیبی مبارز، متعهد، نوآور، پرکار و نسبت به عمر کوتاهش، صاحب آثاری فراوان و پربار است که باوجود رنج‌های طولانی، بی‌خانمانی و سرگردانی توانسته است داستان‌هایی گیرا، شیوا و رسا به یادگار بگذارد.

ازاین‌رو هدف این پژوهش بررسی و تحلیل این مضامین در داستان‌های کوتاه سمیره عزام است:

فصل اول: در مورد کلیات تحقیق، مفاهیم و اصول پژوهش علمی حاضر اعم از بیان مسئله، پرسش‌های پژوهش، فرضیه‌ها، ضرورت انجام و کاربرد نتایج پژوهش، اهداف پژوهش، روش و شیوه‌های پژوهش، پیشینه پژوهش است.

فصل دوم: در مورد ادبیات پایداری است، در این فصل ابتدا به معرفی ادبیات پایداری می‌پردازد و به خصوصیات نثر مقاومت و پیشینه آن می‌پردازد.

فصل سوم: این فصل ابتدا به شرح حال، ویژگی‌های اخلاقی سمیره عزام، فعالیت‌ها، جوایز و عضویت وی در مجامع علمی می‌پردازد و سپس شرح موجزی از تألیفات وی ارائه می‌دهد.

فصل چهارم: این فصل به مضامین پایداری سمیره عزام ازجمله تمجید از مجاهدان و مبارزان، مرثیه و سوگواری شهیدان، استعمارستیزی، امید به آزادی و آینده روشن، میهن‌گرایی، قومیت‌گرایی و هویت می‌پردازد.

فصل پنجم: به ویژگی‌های هنری در داستان‌های کوتاه سمیره عزام ازجمله رمز، اسطوره، بینامتنیت، سبک، موسیقی، واج‌آرایی و تکرار و جناس می‌پردازد.

۱-۲ بیان مسأله

پس از آن که فلسطین در سال ۱۹۴۸ توسط رژیم صهیونیستی اشغال شد نویسندگان بسیاری دست به قلم شده و موضوعات داستان های خود را بر پایه مسائلی که گریبان گیر فلسطین شده بود بنا نهادند، بنابراین ادبیات پایداری در دوره معاصر پیشرفت چشمگیری پیدا کرد. یکی از نویسندگانی که به مشکلات فلسطین توجه بسیاری داشته و این مسائل را در ادبیات خود بازتاب داده سمیره عزام است.

سمیره عزام یکی از پیشگامان داستان کوتاه در ادبیات عربی و به ویژه سرزمین فلسطین به شمار می رود. او پس از اشغال فلسطین در سال ۱۹۴۸ به بیروت، قبرس، عراق و بار دیگر به بیروت رفت و در این مدت به نویسندگی و اجرای برنامه های رادیویی، ترجمه و نوشتن داستان کوتاه پرداخت و در عین حال از فعالیت های اجتماعی در زمینه حمایت از پناهندگان و آوارگان فلسطینی بازماند.

نوشتن حدود هفتاد داستان و ترجمه سیزده کتاب، در کنار نوشتن برنامه های رادیویی - باوجود زندگی کوتاه و آوارگی از وطن - نشان می دهد که سمیره عزام نویسنده ای پرکار و پویا بوده است. اهتمام مداوم او به داستان کوتاه باعث شد که در تاریخ ادبیات فلسطین به عنوان نویسنده ای پیشگام در این نوع ادبی شناخته شود. ناقدان عرب با تأکید بر ارزش های ادبی و محتوایی آثار او، پژوهش ها و مطالعات موجود در این زمینه را با توجه به اهمیت این نویسنده ناچیز دانسته اند. آثار سمیره عزام پیرامون مقاومت و پایداری ملت فلسطین است، داستان های او به خاطر فضای حزن آلود دورانیش بیشتر رنگ تراژدی به خود گرفته است.

این نویسنده دارای چندین مجموعه داستان کوتاه می باشد که از جهات گوناگون مورد توجه محققان و پژوهشگران واقع شده است، همچنین داستان های کوتاه او زمینه مناسبی برای پژوهش ها و مطالعات قرار گرفته است، از جمله موضوعات مهم و قابل توجه این است که دریابیم آثار او چه مؤلفه هایی از ادبیات پایداری را در بر می گیرد.

از این رو پژوهش حاضر در صدد آن است تا با مطالعه داستان های کوتاه این نویسنده، مؤلفه های ادبیات پایداری را در این زمینه مشخص کرده و به بررسی آن ها بپردازد تا برای خوانندگان روشن سازد که سمیره عزام، به عنوان یک نویسنده برجسته در زمینه ادبیات پایداری، چه مسائلی از مسائل جامعه ی خویش را در

داستان های کوتاه خود بازتاب داده و نسبت به چه مسائلی حساس بوده است و همچنین روشن سازد که سمیره عزام به عنوان یک نویسنده حرفه ای و برجسته در این راه چه ویژگی های هنری را در داستان های کوتاه خود به کار گرفته است.

۱-۳ پرسش های پژوهش

۱. مؤلفه های ادبیات پایداری در فلسطین کدامند؟

۲. سمیره عزام از کدام یک از مؤلفه های ادبیات پایداری در داستان های خود استفاده کرده است؟

۳. علل پرداختن سمیره عزام به مؤلفه های ادبیات پایداری در داستان های کوتاه خود چیست؟

۴. داستان های او از کدام ویژگی های هنری برخوردار است؟

۱-۴ فرضیه ها

پژوهش حاضر بر فرضیات ذیل استوار است:

۱. غالباً مؤلفه های ادبیات پایداری فلسطین شامل تمجید از مجاهدان و مبارزان، مرثیه و سوگواری بر شهیدان، استعمار ستیزی، امید به آزادی و آینده ای روشن، میهن گرایی، قومیت گرایی و هویت است.

۲. پیش بینی می شود که در داستان های کوتاه سمیره عزام مهم ترین مؤلفه های ادبیات پایداری شامل: تمجید از مجاهدان و مبارزان، مرثیه و سوگواری شهیدان، استعمارستیزی، امید به آزادی و آینده روشن، میهن گرایی، قومیت گرایی، هویت، زن نماد صبر و پایداری، دعوت به وحدت، افسردگی به دلیل شهید نشدن و تنفر از دشمن وجود داشته باشد.

۳. به نظر می رسد علل پرداختن سمیره عزام به این گونه موضوعات پایداری، فضای حزن آلود دوراننش به ویژه اشغال فلسطین و همچنین آوارگی وی و مسائل تراژدی است، وی توانسته است با زبان قلم خود از شرایط حاکم و وطن و مردم آن دفاع بکند.

۴. پیش بینی می شود که داستان های کوتاه سمیره عزام از مهم ترین ویژگی های هنری شامل: رمز، اسطوره، بینامتنیت، سبک، موسیقی، گفتگو، صورخیال برخوردار باشد.

۱-۵ اهداف پژوهش

اهداف این پژوهش عبارت اند از:

۱. معرفی ادبیات پایداری و مؤلفه های آن در فلسطین در دوره زندگی نویسنده.

۲. تبیین مؤلفه های ادبیات پایداری در مجموعه داستان های کوتاه سمیره عزام.

۳. ارزیابی جایگاه نویسنده در نثر پایداری فلسطین.

۴. نشان دادن ارزش هنری داستان های کوتاه نویسنده.

۱-۶ شیوه پژوهش

پژوهش حاضر به صورت توصیفی-تحلیلی نگاشته می شود؛ بدین صورت که ابتدا بر اساس منابع مرتبط با چارچوب نظری پژوهش، داده های مرتبط از خلال متن داستان ها استخراج شده و به صورت توصیفی گردآوری می شود. سپس داده های به دست آمده از جهت چگونگی و علت یابی مورد تحلیل قرار می گیرد.

۱-۷ پیشینه پژوهش

پژوهش های متعددی در ارتباط با موضوع حاضر صورت گرفته است که مهم ترین آنان به شرح زیر است:

— سهیل ادريس در پژوهشی تحت عنوان «أشیاء صغیرة مجموعة قصصیة للآنسة سمیرة عزام» (۱۹۵۴م)، به بررسی و تحلیل محتوای مجموعه داستان های کتاب اشیاء صغیره اثر سمیره عزام می پردازد.

— دراج فیصل در مقاله ای تحت عنوان «سمیره عزام، البحث عن الانسان و الأخلاق و الوطن» (۱۹۸۱م)، به بررسی انسان و اخلاق و وطن در داستان های کوتاه سمیره عزام می پردازد.

— هاشم یاغی در پژوهشی تحت عنوان «القصة القصيرة في فلسطين و الأردن» (۱۹۸۶م)، به روند داستان کوتاه در فلسطین و اردن می‌پردازد همچنین تاریخچه و پیشرفت آن را در هر دو کشور بررسی می‌کند.

— یوسف حطینی در کتابی تحت عنوان «سميرة عزام رائدة القصة القصيرة الفلسطينية» (۱۹۹۹م)، به بررسی وضعیت قصه و داستان در فلسطین می‌پردازد. سپس سمیرة عزام را به‌عنوان پیشگام نویسندگان داستان کوتاه فلسطین معرفی می‌کند و داستان‌های وی را به تصویر می‌کشد.

— نرگس گنجی و سید مرتضی طباطبایی در پایان‌نامه‌ای تحت عنوان «ترجمة مجموعة داستان‌های کوتاه «الساعة و الانسان» اثر سميرة عزام» (۱۳۹۰)، ابتدا به بررسی تاریخچه داستان‌نویسی در فلسطین و سپس به ترجمه داستان «الساعة و الانسان» می‌پردازند.

— نرگس گنجی در مقاله‌ای تحت عنوان «سیمای انسان در داستان‌های سمیرة عزام» (۱۳۹۰)، به بررسی شخصیت انسان و کنش شخصیت و به تصویر کشیدن هم‌پیوندی انسان‌ها می‌پردازد. همچنین ابعاد انسان‌نگری را در داستان‌های سمیرة عزام مورد بررسی قرار می‌دهد.

— یحیی معروف و عبدالمنصور لرستانی در پایان‌نامه‌ای تحت عنوان «جلوه‌های پایداری و مقاومت در آثار احلام مستغانمی» (۱۳۹۳)، به بررسی ابعاد مختلف اندیشه پایداری در آثار این نویسنده معاصر جهان عرب می‌پردازند.

— فاطمه پرچکانی و شیوا احمدی در پایان‌نامه‌ای تحت عنوان «تحلیل مؤلفه‌های مقاومت در رمان‌های ابراهیم نصرالله بررسی موردی (مجموعه رمان‌های کمدی فلسطین)» (۱۳۹۵)، به بررسی ویژگی‌های سبکی و محتوایی مؤلفه‌های مقاومت و ویژگی‌های شخصیتی در دو رمان معروف اثر ابراهیم نصرالله می‌پردازند.

— علی اصغر حبیبی، صدیق اختر کاوان و پریسا احمدی در مقاله‌ای تحت عنوان «واکاوی جلوه‌های مبارزه و پایداری در داستان‌های نویسنده فلسطینی؛ اکرم هنیه» (۱۳۹۶)، به بررسی و تحلیل مولفه‌های پایداری و مقاومت در نوشته‌های این نویسنده مبارز فلسطینی می‌پردازند.

- نعیم عموری و سید حسن نجاتی در پژوهشی تحت عنوان «تحلیل مؤلفه های ادبیات پایداری در رمان (رجال فی الشمس) اثر غسان کنفانی» (۱۳۹۸)، به معرفی شخصیت مقاوم و شهید غسان کنفانی و همچنین تحلیل رمان (رجال فی الشمس) و مؤلفه های پایداری موجود در آن می پردازند.

- عادل آزاد دل و سیده ندا حسینی در پایان نامه ای تحت عنوان «جلوه های ادبیات پایداری در داستان کوتاه (ارض البرتقال الحزین) اثر غسان کنفانی» (۱۳۹۹)، مؤلفه های پایداری را در داستان کوتاه (ارض البرتقال الحزین) مورد بررسی و تحلیل قرار می دهند.

اما در جهان عرب پژوهش های زیر درباره سمیره عزام انجام شده است:

- مقاله «فلسطين فی أدب سمیره عزام» از فخری طملیه، نشریه المستقبل العربی، أبريل ۱۹۸۷، العدد ۹۸، صص ۶۷-۸۲.

- مقاله «سمیره عزام و القصه» از محمد یوسف نجم، نشریه الآداب، السنه السادسة عشره، ديسمبر ۱۹۶۸، العدد ۱، صص ۳۷-۳۸.

- مقاله «ذکریات مع سمیره عزام» از جمال أحمد، نشریه الآداب، السنه السادسة عشره، ديسمبر ۱۹۶۸، العدد ۱، صص ۴۴-۴۶.

- مقاله «سمیره عزام، المناضله» از شفیق الحوت، نشریه الآداب، السنه السادسة عشره، ديسمبر ۱۹۶۸، العدد ۱، صص ۳۴-۳۵.

- مقاله «سمیره عزام و الأدب النسائي» از رجاء النقاش، نشریه الآداب، السنه السادسة عشره، ديسمبر ۱۹۶۸، العدد ۱، صص ۳۹-۴۰.

- مقاله «سمیره عزام» از أبی سلمی، نشریه الآداب، السنه السادسة عشره، ديسمبر ۱۹۶۸، العدد ۱، ص ۴۳.

- مقاله «مع الأحداث العربیة: لقاء أخیر مع الأدبیة الراحلة سمیره عزام» از الفه الادلبی، نشریه المعرفة، جمادی الاولی ۱۳۸۷، العدد ۶۷، صص ۱۲۶-۱۲۹.

با توجه به پژوهش های ذکر شده نویسنده تحقیق حاضر به پژوهشی که عینا به این موضوع پرداخته باشد دسترسی نداشته و تحقیق حاضر را می توان گام نخستی در جهت بررسی جلوه های پایداری در داستان های کوتاه سمیره عزام به شمار آورد.

فصل دوم:

ادبیات پایداری

۲-۱ تعریف ادبیات پایداری

ادبیات به عنوان یکی از اشکال بی‌همتای بیداری اجتماعی، نقشی مهم و اساسی در سازمان‌دهی و تشویق ملت‌ها و انسان‌هایی دارد که برای رهایی مبارزه می‌کنند، علاوه بر این نباید وظیفه زیبایی‌شناسی ادبیات را از یاد برد که نقش سازنده‌ای در شکل‌دهی به زندگی و پدیدار کردن زیبایی‌های آن دارد.

زمان پیدایش و ظهور ادبیات مقاومت در میان عرب‌ها را باید از زمان آشنایی آنان با ادبیات دانست؛ شاید بتوان گفت که مقاومت یکی از عوامل و منابع پیدایش ادبیات است؛ در حقیقت شاعر عرب در گذشته به عنوان زبان‌گویای ملت خویش بوده و علاوه بر انتشار محاسن آنان، افتخاراتشان را نیز در شعر خود ثبت کرده، به دفاع از آنان می‌پرداخت، به دیگر سخن، زبان شاعر سلاح برنده قبیله محسوب می‌شد، همان‌طور که شاهد گسترش شعر حماسی در عصر اسلامی هستیم، نیز باگذشت زمان شعر به عنوان یکی از انواع ادبی نقش بزرگی در تشکیل هویت و تمدن عرب داشته است.

واژه پایداری با ظلم‌ستیزی عجین و تداعی‌کننده آن است، معنای پایداری از ریشه سه‌حرفی (ق و م) گرفته شده است و به معنای استواری و ایستادگی در برابر دشمن است». (حموی، ۱۳۸۱: ۸۷۹)، در تعریف اصطلاحی آن «نوعی از ادبیات متعهد و ملتزم است که از طرف مردم و پیشروان فکری جامعه در برابر آنچه حیات مادی و معنوی آن‌ها را تهدید می‌کند، به وجود می‌آید و هدفش جلوگیری از انحراف در ادبیات، شکوفایی و تکامل تدریجی آن است (بصیری، ۱۳۸۴: ۲۶). برخی دیگر نیز گفته‌اند: «ادبیات پایداری به مجموعه آثاری گفته می‌شود که از زشتی‌ها و فجایع بیداد داخلی یا تجاوز بیرونی در همه حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی با زبانی ادیبانه سخن می‌گوید، برخی از این آثار پیش از رخ نمودن فاجعه، برخی در زمان جنگ و یا پس از گذشت زمان به نگارش تاریخ آن می‌پردازند» (شکری، ۱۹۷۹: ۱۰-۱۱). کاربرد عنوان «ادبیات پایداری» بسیار جوان است و عمدتاً به سروده‌ها، نمایشنامه‌ها، داستان‌های کوتاه و بلند، قطعات ادبی، طنزها، حسب‌حال‌ها، نامه‌ها و آثاری گفته می‌شود که در همین سده نوشته و آفریده شده‌اند و روحیه ستیزه جویی با

جریان‌های ضد آزادی و ایستادگی در مقابل آن‌ها را نشان می‌دهند و متضمن رهایی، رشد و بالندگی جامعه‌های انسانی هستند (سنگری، ۱۳۸۵: ۲۶). این عنوان به آثاری اطلاق می‌شود که تحت تأثیر شرایطی چون اختناق و استبداد داخلی، نبود آزادی فردی و اجتماعی، قانون‌گریزی و قانون ستیزی با پایگاه‌های قدرت، غصب و سرمایه‌های ملی و فردی و ... شکل می‌گیرد، بنابراین جان‌مایه این آثار بیداد داخلی یا تجاوز بیرونی از همه حوزه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و ایستادگی در برابر جریان‌های ضد آزادی است (سنگری، ۱۳۸۱: ۲۶).

مقاومت چیست؟ به نظر می‌رسد ادبیات مقاومت معنایی مترادف با ادبیات پایداری داشته باشد، در زبان عربی، واژه مقاومت بر وزن «مفاعله» از ریشه «قَوَمَ» و «قَاوَمَ الشَّيْءَ» به معنای «دَفَعَهُ عَنْهُ» و به معنای رودررویی قدرت با قدرت، ایستادگی در برابر دشمنان و تسلیم نشدن در برابر اهداف آن‌ها و مقاومت با اموری است که با عدالت و آرزوهای انسان ناهمگون است، معمولاً کلمه «مقاومت» در مقابل کلمه «طغیان» می‌آید، مقاومت واژه‌ای است که از همان بدو تولد مفهوم خود را پیدا می‌کند، انسان در مبارزه‌ای مداوم و مستمر برای ادامه زندگی است، از این‌روست که مقاومت بخش جدانشدنی از طبیعت رابطه انسان و هستی است، واکنش متقابل بین جنس بشری و هستی او. در فرهنگ معین، ذیل واژه مقاومت آمده است: «ایستادگی» و ذیل واژه پایداری آمده است: «مقاومت، ایستادگی، دوام و توان» (معین، ۱۳۸۸: ذیل واژگان)؛ اما نکته‌ای که در باب معنا کردن این دو واژه وجود دارد، این است که مقاومت واژه‌ای عربی است و جایگاه استفاده از آن در ادب عربی است و پایداری واژه‌ای فارسی است و جایگاه استفاده از آن در ادب فارسی است. درواقع این دو واژه، دو مصداق از معنایی بزرگ در دو زبان متفاوت اما نزدیک به هم هستند که حوزه کاربرد زبانی و فرهنگی مشابه باعث ورود و نفوذ یکی در دیگری شده است، اگر بخواهیم تعریف درستی از مقاومت ارائه بدهیم باید بگوییم که مقاومت، پایداری در مقابل سرکشی غاصبان و جلوگیری از آوارگی و رانده شدن از سرزمین و از بین رفتن هویت فرهنگی و ملی فرد در جامعه بین‌المللی است. زمانی مقاومت صورت می‌گیرد که کس یا کسانی بخواهند علیه دیگر و یا دیگرانی طغیان کنند. طبیعی است که طرف مقابل سعی می‌کند تا در مقابل این طغیان، مقاومت و آن را از خود دفع نماید. چنین مقاومتی مشروع و شریف است؛ چراکه هدف آن برطرف ساختن ظلم و ستم و دفاع از بی‌گناهان است؛ بنابراین مقاومت عبارت است از اقدامی آگاهانه و آزادانه در برابر تحرکی خصمانه در هنگامه‌ی نبرد، شاعران که ادراکات فراحسی قوی‌تری دارند با تلاشی گسترده به سرودن شعرهای مهیج و تحریک احساسات خفته مردم مبادرت می‌ورزند که افزون بر تأثیرگذاری در حوادث و رویدادها در راستای مصالح مردم سرزمینشان، آثار ادبی ماندگاری نیز از خود بر جای می‌گذارد. از همان لحظه آغازین، انسان برای بقای خود و ادامه زندگی در برابر خطرهایی که زندگی او را تهدید می‌کند به مقاومت برمی‌خیزد. به تدریج که

انسان پا به دنیای فراتر از مسائل شخصی خود گذاشته و جامعه‌ی انسانی شکل می‌گیرد، واژه مقاومت مفهوم عام‌تری به خود می‌گیرد، در اینجا هر انسانی در برابر هر آنچه مانع رشد، تکامل، شخصیت، هویت، عزت، سربلندی اوست مقاومت می‌کند. ادبیات مقاومت معمولاً به آثاری اطلاق می‌شود که تحت تأثیر شرایطی چون اختناق، استبداد داخلی، نبود آزادی‌های فردی و اجتماعی، قانون‌گریزی و قانون ستیزی با پایگاه‌های قدرت، غصب و غارت سرزمین و سرزمین‌های ملی و فردی... شکل می‌گیرد؛ بنابراین جان‌مایه این آثار مبارزه با بیداد داخلی یا تجاوز بیرونی در همه حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و ایستادگی در برابر جریان‌های ضد آزادی است (حسام پور، ۱۳۸۷: ۱۲۱-۱۲۲). مقاومت را می‌توان یکی از عناصر تشکیل‌دهنده وجود انسان دانست چراکه از همان آغاز زندگی، مبارزه بین انسان و طبیعت برای بقا، حفظ و ادامه زندگی آغاز می‌گردد و در سایه این مبارزه است که انسان رشد می‌کند، در زمانی که برخی از قدرت‌های سلطه‌جو و استعمارگر به دیگر کشورها هجوم می‌برند و به غارت و چپاول ثروت ملی و طبیعی آن‌ها می‌پردازند، نوعی دیگر از مقاومت شکل می‌گیرد؛ یعنی ایستادگی در برابر متجاوزان که ضامن حفظ بقا و هویت یک ملت است.

غالی شکری درباره ادبیات مقاومت می‌نویسد: «ادبیات مقاومت به مجموعه آثاری اطلاق می‌شود که از زشتی‌ها و فجایع بیداد داخلی یا تجاوزگر بیرونی، در همه حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، ادبی، اقتصادی و اجتماعی با زبان ادیبانه سخن می‌گوید، برخی از این آثار پیش از رخ دادن فاجعه، برخی در زمان جنگ یا پس از گذشت جنگ به نگارش تاریخ آن می‌پردازد» (شکری، ۱۹۷۹: ۱۰-۱۱).

اگر بخواهیم مفهوم ادبیات مقاومت را گسترش داده و به معنای عام در نظر بگیریم از ابتدای حیات بشری به صورت‌های مختلف می‌توان مقاومت را مشاهده کرد، چراکه انسان در مسائل گوناگون که حق خود را در آن می‌دید، به مقاومت پرداخته است. انسان چه در دستیابی به آزادی، یا رهایی از یوغ دشمن و یا آزادی از ظلم اجتماعی که بر او می‌شده، یا از فشار و اختناق‌های سیاسی که متحمل شده است، دائماً مقاومت مشروعی از خود داشته است، در این سطح از مفهوم ادبیات پایداری، علت اعتراض انحرافات است که شاعر در زمینه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اخلاقی، تربیتی، دینی و فکری در جامعه مشاهده می‌کند؛ اما در ادبیات مقاومت به معنای خاص، استبداد داخلی یا تجاوز خارجی علت اعتراض هست.

ادبیات پایداری ریشه کهن در تاریخ جهان دارد و می‌دانیم تاریخچه آن در واقع تاریخ جهان است، شرایط کشورهایمانند افغانستان، عراق، لبنان، فلسطین، سوریه نیز کشورهای لاتین که در آن‌ها مبارزه علیه برده‌داری فشار زیادی بر مردم آورده بود، زمینه را برای خلق آثار ادبی فراهم آورد که هریک همچون سندی حکایتگر گذشته ملتی است که مقاومت و پایداری در برابر ظلم را پیشه خود کرده است، بنابراین ادبیات پایداری سابقه‌ای

به قدمت تمدن بشری دارد و در هر دوره‌ای، متناسب با شرایط و موقعیت آن رخ می‌نماید و در هر شرایطی چون اختناق، استبداد داخلی، نبود آزادی‌های فردی و اجتماعی، قانون‌گریزی و قانون ستیزی جلوه‌گری می‌کند، جان‌مایه این آثار با بیداد داخلی یا تجاوز بیرونی در همه حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و ایستادگی در برابر جریان‌های ضد آزادی است. ادبیات پایداری دربردارنده آثاری ادبی است که از نظر مفهوم و ادب، مخاطب را به پایداری در برابر دشمن فرامی‌خواند و در ذات آن، حقیقت‌خواهی و امید به آینده، همواره فراوری خالق اثر و بطن متن ادبی وجود دارد (رحمان دوست، ۱۳۷۹: ۱۶۶).

ادبیات مقاومت، همان فریاد شجاعانه در چهره ظالم و فریاد مظلوم در صورت غاصب مستبد است، ادبیات پایداری از فرزندان ملت می‌خواهد که ننگ را نپذیرند (سعدون، ۱۳۸۸: ۵۲). اصطلاح «ادب المقاومة» که از نیمه دوم قرن ۲۰ رایج شد، در آغاز زیاد شایع نبود اما شاید آثار جنگ ژوئن ۱۹۶۷، باعث رواج این اصطلاح شد، آن‌گونه که از اصطلاحات شایع قبلی یعنی «ادب المعركة»، «ادب الحرب» و «ادب النضال» بیشتر انتشار یافته و بعد از انتفاضه اول و دوم و تاکنون نیز جایگاه لازم خود را به دست آورده است.

ادبیات مقاومت در مورد کارهایی صحبت می‌کند که هدف از آن‌ها، انفجار پتانسیل‌ها و انرژی‌های مثبت، باهدف رویارویی و مواجهه است و در مورد دیدگاهی صحبت می‌کند که انسانی و فراگیر و نه نژادپرستانه و تنگ‌نظرانه است، ادبیات مقاومت، ادبیات متعهد یا ادبیات انقلاب و یا ادبیات جنگ است و از اصطلاحاتی استفاده می‌کند که بیانگر ایدئولوژی مختلف است.

علاوه بر این، دائماً تلاش دارد تا مردم و افکار عمومی را برای «مقاومت» آماده سازد. سعی ادبیات مقاومت بر این است تا با تمرکز بر شرایط سخت زندگی مردم و معرفی طرف دیگر به‌عنوان تجاوزگر، اهداف خود را پیش ببرد، ادبیات مقاومت از آن‌رو که روح مقاومت را زنده نگه می‌دارد، ارزشمند است، آن ادبی است که به‌جای «من» از «ما» و اهداف مشترک سخن می‌گوید، ادبیات مقاومت سعی دارد تا افکار مبتنی بر وجود بر حق انسان را جایگزین افکار خصمانه و استعماری و سلطه‌نماید (عبدالقادر، ۲۰۰۴: ۵۶). نجم می‌گوید: «ادبیات مقاومت بیانگر وجود و هویت و ادبیاتی است که چشم به آزادی دوخته است و همواره مردم و ملت و حفظ ارزش‌های والا را در نظر دارد، منظور از آزادی نیز نجات شخص نیست، بلکه همواره رهایی همگان مدنظر است. (نجم، ۲۰۰۲: ۸۷).

بذر ادبیات مقاومت در هر زمینی نمی‌روید بلکه آنگاه‌که یک سرزمین، از خفقان و افتراق لبریز گشت، جوانه‌های مقاومت و ادبیات مقاومت ظهور می‌کند و باجان فشانی مجاهدان جان می‌گیرد و تنومند می‌گردد.